

# نقد و بحث



## حافظ عبدالقادر فیضی مراغی

(۲)

دنباله شماره ۱۱-۱۲ سال دوم

مقام و منزلت عبدالقادر را نزد امیر تیمور از این فرمان و سفارش نامه دانستیم اکنون فضایل او را از زبان قلم سلطان احمد جلایز می‌شمریم.

«اگر خواهیم که شرح و بیان فضایل و کمالات پسندیده باره‌مدم موافق غمگسار افتخار و پیشوای هنرمندان اول و آخر که بر سریر هنرمندی مستقل است و مملکت روحانی سلیمانی را بالحن روح پرور داودی در تحت تصرف در آورده و جباران این قسم را که هر یک در هنر خود سربلک هشتم می‌افراشتند بضراب موسیقی رام کرده سلطان الحافظ ذوفنون عصر فیلسوف زمان کمال‌الملک والدین عبدالقادر ادا‌الله سعادت کتم نوعی باشد از تکلف و تکلف در نظر اهل بصیرت و طایفه استعداد پسندیده نیست پس بر این جمله آنچه از وی دیده و شنیده‌ایم از هزار یکی و از بسیار اندکی نگفته باشیم چه زبان از شرح اوصاف او قاصر است.

اول- اول در حفظ کلام‌الله که علی طرف‌اللسان یاد دارد و بالفاظ درست و تجوید صحیح ادا می‌گرداند و گوئی این آیه در شأن او نازل شده که زیتوا القرآن باصواتکم فان الصوت الحسن یزید القرآن حسنا.

ثانی- در قسم خط او که احسن من الوشی المنتم والدر المنظم واعز من سواد العین و سواد النواد است و اقلام ستمرا که آن محقق. ریحان. ثلث. نسخ. رقاع. تویع است بمرتبه اعلی

\* آقای احمد سهیلی خوانساری سرپرست کتابخانه ملک، از شاعران و نویسندگان و هنرشناسان گرانمایه معاصر.

دانسته و نبسته است.

**ثالث** - در علم موسیقی که آن به پنج قسم است قسم اول در اصول ایقاعی که اگر خواهد دوری اختراع کند در بدیهه که ثقیل پیش آن خفیف نماید و هزج خفیف گردد.

**رابع** - در تصانیف عمل نوبت مرتب قول و غزل و ترانه و فرود است و اعمال و کل الضروب و کل النغم و ضربین که چهار دور ایقاعی معاً در تصنیف ادا میگردانند مثلاً بدستی ثقیل رمل و بدستی دیگر خفیف و پبای و رشان و پبای دیگر فاخنی که مقدور هیچ آفریده نبود.

۱۶ نفره

**خامس** - در مقامات که بر جمیع کتب و رسایل متقدمان که درین فن تألیف کرده اند اطلاع یافته و کتب رسایل خود تألیف کرده و آنچه بر آنها اعتراض وارد بوده آنها را برای تحقیق مسایل فن باز نموده.

**سادس** - جمیع آلات ذوات الاوتار خاصه عود که برو ختم شد و چندین سازی دیگر اختراع کرد. مثل ساز کاسهای چینی که آن خود بر جمیع حکماء متقدمان مخفی بوده است است برو ظاهر شده روی نمود.

هرگز گمان میر که سخن مختصر شود  
گر صد هزار سال بگویم ثنای او  
حرره العبد احمد بن شیبخ اویس غفر الله ذنوبهما تحریراً فی اواسط صفر سنه تسع و سبعین و  
سبعمایه هجریه».

سلطان احمد جلایر که خود در خط و نقاشی و موسیقی و ادوار استاد بوده و عبدالقادر را مصاحب و همدم، فضائل این استاد نامدار را چنین شرح و بیان کرده و کمالات او را از سخنان این پادشاه هنرمند قیاس توان نمود.

اکنون تصنیف و ترانه‌ی دیگر از عبدالقادر نقل می کنیم.

#### عمل حسینی

صبا نسیم گل و بوی یاسمن دارد      مگر گذر بسر گوی یار من دارد  
دل شکسته یعقوب میکند فریاد      که باد صبح مگر بوی پیرهن دارد  
پیغام روح می‌دهد این باد مشک بیز  
عنبر بسای و عود بسوزان و گل بریز  
ساقی بیا و شمع برافروز و می بده      مطرب بیا و نغمه برانگیز و در بریز  
هنگام نوبت سحرست ای نسیم خیز

تصنیف و ترانه‌هایی که باقی مانده بیشتر از زمان عبدالقادر مراغی به بعد است. چنانکه می بینیم ترانه و تصنیف سازی چند قرن پس از این موسیقی دان مشهور بدین طرز و اسلوب متداول بوده است تا عهد قاجاریه که فردغی بسطامی و پس از او شیدا تجددی در تصنیف سازی نمودند که بحث آن از حوصله این مقاله خارجست.